

## سیری در حدیث دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر در محضر آیات و روایات

پروانه اکبری<sup>۱۸</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱

## چکیده

حدیث شریفه «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافراست»، از جمله حدیث‌های معتبر و مستند است و سند آن به کتاب‌هایی از جمله نهج البلاغه، غرر الحکم و نهج الفصاحه بر می‌گردد. این مقاله به بررسی حدیث دنیا زندان مؤمن و بهشت کافراست، در محضر آیات و روایات پرداخته است. در این مقاله سعی شده است چهره واقعی دنیا با استناد و استمداد از آیات و روایات، به تصویر کشیده شود. تحقیق حاضر از نوع تحقیق کیفی، به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای تدوین شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد دنیا دار ثواب و عقاب حق تعالی نیست، بلکه مزرعه آخرت است و مزرعه جز تحمل مشقت‌ها و کاستی‌ها نیست. عالمی که آسایش و سختی آن بر اساس ملائک فضیلت و رذیلت است، عالم آخرت است. کلیدواژگان: دنیا، مؤمن، کافر، بهشت، زندان.

---

<sup>۱۸</sup> دانش‌آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خواران.

دنیا زندان مؤمن است و او در دنیا در آرزوی عروج به سوی خداوند است. دنیا قفس مرغ روح خداجوی اوست و هر لحظه در انتظار باز شدن قفس و پرواز در کوی ربّانی است. مؤمن نه از دنیا دور بوده؛ و نه بالذت های دنیا بیگانه؛ او با همه دنیا هست اما به هیچ کدامش دلبستگی ندارد. آنجا که دنیا حجاب مابین او و محبوبش باشد، برایش حتی تاب لحظه ای نفس کشیدن نخواهد ماند و اینجاست که دنیا برایش زندان می شود و همین دنیاست که مذمت شده؛ چرا که موجب دوری انسان از خداوند و قرب او و آلوده شدن به معاصی است. و از آنجایی که مؤمن به این باور رسیده است که هر چه در این دنیا کاشته شود در آخرت برداشت می شود، وظیفه اش سنگین تر است و باید زحمت بیشتری متحمل شود، چون بایستی هم دنیایش را آباد نماید و هم آخرتش را.

مؤمن وقتی می داند که در آخرت، از لحظه لحظه عمرش سؤال می شود و نه تنها در حرامش عقاب است که در مورد حلالش هم باید حساب پس دهد، نمی تواند فقط امیدوار باشد، بلکه دائماً این خوف را نیز دارد که مبدا از عهده تکالیف الهی بر نیاید و...

آری! روح مؤمن به آنچنان عظمتی می رسد و دلش به چنان وسعتی که در مقابل آن همه رفعت و عظمت کوچک و محدود می شود و گنجایش وجود مؤمن را ندارد و برای مؤمن مانند زندان می شود.

اما این که حدیث می فرمایند: «دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر» برای مؤمن یک امیدواری و توان بخشی به همراه دارد و باعث می شود که از سختی هایش لذت ببرد؛ چون می داند سختی ای را تحمل می کند که مرضی خداوند است و اگر دنیا زندانش نباشد باید در پی علت باشد، باید احساس نگرانی کند که: «نکنند خدایی ناکرده، مؤمن نباشم؟»

لذا حدیث شریفه، اعلام خطری است برای غرق شدگان در رفاه و خوشی و هشدار این که مبدا در جرگه کفار باشند.

بسیارند کسانی که ذهنشان پر است از سؤال هایی ظاهراً پیش پا افتاده که اگر قانع نشوند چه بسا به مشکلات روحی، روانی و حتی بعضاً به کفر کشیده شوند؛ مثلاً شخصی که از واقعه کربلا به شدت متأثر شده بود در حالی که به تردید در وجود خداوند رسیده بود می گفت: «اگر واقعاً وجود داشت چرا به آنها اجازه داد...؟» و «اگر خداوند مؤمنین را دوست دارد چرا مشکلاتشان را مرتفع نمی کند؟». همگی این سؤالات ناشی از عدم شناخت کافی نسبت به دنیا و آخرت و اعتقاد ضعیف نسبت به وجود آن است.

با توجه به آنچه بیان شد، در این مقاله سعی شده است چهره واقعی دنیا با استناد و استمداد از آیات و روایات، به تصویر کشیده شود.

آیات زیادی از قرآن کریم پیرامون دنیا و آخرت و سختی‌ها و خوشی‌های دنیوی و اخروی است و نیز به توصیف مؤمنین و کفار و زندگی دنیوی و اخروی آنها پرداخته شده است که با مراجعه به کتب تفسیری می‌توان از آنها بهره‌مندتر شد.

در نهج الفصاحه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) پیرامون مؤمن و مدح و ذم دنیا بحث شده و در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهره واقعی دنیا را به تصویر کشیده است.

در بحارالانوار به صفاتی از مؤمنین اشاره شده و سفینه البحار، میزان الحکمه، غررالحکم و دیگر کتب روایی در قالب بیان احادیث در این زمینه بحث‌ها دارند. کتب تفسیری نمونه و کتاب دانشنامه امام علی (علیه السلام) نیز حاوی مطالب راه‌گشایی در این زمینه می‌باشد.

این تحقیق از جمله تحقیقات کیفی است و معمولاً در این گونه تحقیقات، محقق در پی شناخت واقعیات و کشف حقایق است و به روشن نمودن ویژگی و صفات یک واقعیت می‌پردازد. محقق در تجزیه و تحلیل‌های کیفی، با استفاده از عقل و منطق و تفکر، اسناد و مدارک را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده، حقیقت و واقعیت را کشف نموده و درباره فرضیه اظهار نظر می‌نماید. همچنین در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

## در محضر آیات

### مؤمن و توجه به پنج حقیقت

توجه واقعی و رابطه‌ی حقیقی با پنج حقیقت و عشق به این پنج واقعیت بنا بر گفته خود حضرت حق تعالی در قرآن کریم عبارت است از: ایمان و دارنده آن معنون به عنوان مؤمن است (بقره آیه ۱۷۷) و آنها عبارتند از: (خدا، قیامت، ملائکه، قرآن، انبیاء) (انصاریان، دیدار عاشقان (تفسیر جامع صحیفه سجاده)، ۱۳۷۳: ص ۱۹۴).

### صفات مؤمن در قرآن

خداوند متعال در آیات ۲ تا ۴ سوره انفال به پنج قسمت از صفات برجسته مؤمنان اشاره کرده که سه قسم آن جنبه روحانی و معنوی دارد و دو قسم آن جنبه عملی و خارجی (محمدی، مفردات قرآن، ۱۳۸۴: ص ۵۱).

سه قسم اول عبارتند از: «خوف و خشیت از خدا، تکامل ایمان و توکل».

۱. خوف و خشیت از خدا بخاطر احساس مسئولیت، «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ».

۲. ایمان متکامل «وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا».

۳. توکل بر خدا «وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ».

دو قسم دیگر عبارتند از:

۴. ارتباط با خدا «وَالَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ»

۵. ارتباط با مردم و گذشتن از اموال خود «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ».

در آیه ۲ سوره انفال آمده بود که «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّ لَاتِ قُلُوبُهُمْ»

ترجمه: «مؤمنان کسانی اند که وقتی نام خدا برده می شود قلبشان ترسان می گردد.»

در حالی که در آیه ۲۸ رعد می فرماید: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»

ترجمه: «... آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام بخش است»

حال این سوال مطرح می شود که آیا این دو با هم منافات ندارند؟

در پاسخ باید گفت که منظور از آرامش همان آرامش در برابر عوامل مادی است که غالب مردم را نگران می سازد ولی مسلماً افراد با ایمان در برابر مسئولیت های خویش نمی توانند نگران نباشند، به تعبیر دیگر آنچه در آن ها وجود ندارد نگرانی های ویرانگر است که غالب نگرانی ها را تشکیل می دهد، اما نگرانی سازنده که انسان را به انجام وظیف در برابر خدا و خلق و فعالیت های مثبت زندگی و می دارد در وجود آنها هست و باید هم باشد و منظور از خوف از خدا نیز همین است (مکارم شیرازی و دیگران، بی تا: ج ۱۰، ص ۲۱۴)

## دنیای در قرآن

«وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ» (سوره زخرف، آیه ۳۳).

ترجمه: «اگر تمکن کافر از مواهب مادی سبب نمی شد که همه مردم تمایل به کفر پیدا کنند و امت واحد گمراهی شوند ما برای کافران قصرهایی باشکوه با سقف های نقره ای! (چندین طبقه که بر سقف با نردبام بالا روند) ارزشهای دروغین)) قرار می دادیم.

در این آیه، بحث پیرامون نظام ارزشی اسلام و عدم معیار بودن مال ثروت و مقامات مادی است این سرمایه های مادی و این وسایل تجملاتی دنیا به قدری در پیشگاه خداوند بی ارزش است.

که می بایست تنها نصیب افراد بی ارزش همچون کفار و منکران حق باشد و اگر مردم کم ظرفیت و دنیا طلب سوی بی ایمانی و کفر تمایل نمی شدند، خداوند این سرمایه ها را تنها نصیب این گروه منفور و مطرود می کرد تا همگان بدانند مقیاس ارزش و شخصیت انسان این امور نیست (مکارم شیرازی و دیگران، بی تا: ج ۲۱، ص ۶۰).

با مطالعه تفسیر آیات فوق پیرامون تحقیر شدید زینتهای ظاهری و ثروت و مقام مادی، این سؤال مطرح می‌شود که پس چرا قرآن در جای دیگر می‌گوید: «يَبْنِيْ اٰدَمَ خُدُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ...» (سوره اعراف آیه ۳۱).

ترجمه: «ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد بر گیرید و...»  
چگونه این دو گروه آیات با هم سازگارند؟!

در پاسخ باید به این نکته توجه داشت که هدف در آیات مورد بحث شکستن ارزشهای دروغین است، هدف این است که مقیاس شخصیت انسانها را ثروت و زینت آنها نشمارند نه اینکه امکانات مادی بد چیزی است، مهم این است که به آنها به صورت یک ابزار نگاه شود نه یک هدف متعالی و نهایی. وانگهی در صورتی اینها ارزش دارد که در حد معقول و شایسته و خالی از هرگونه اسراف و تبذیر باشد، نه ساختن کاخ‌هایی از طلا و نقره و گردآوردن زینت‌های انبوهی از سیم و زر!

و از اینجا روشن می‌شود که نه بهره‌مند بودن گروهی از کفار و ظالمان از این مواهب مادی دلیل بر شخصیت آنهاست و نه محروم بودن مؤمنان از آن، و نه استفاده از این امور در حد معقول و به صورت یک ابزار، ضرری به ایمان و تقوای انسان می‌زند و این است تفکر صحیح اسلامی و قرآنی (مکارم شیرازی و دیگران، بی تا: ج ۲۱، ص ۶۱)

### آیاتی که مال دنیا را در برابر ثواب اخروی ناچیز می‌شمارند

- «... قُلْ مَتَّعُ الدُّنْيَا قَلِيْلٌ وَالْآٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَ لَا تُظَلِّمُوْنَ فَتِيْلًا» (سوره نساء، آیه ۷۷).

ترجمه: «... بگو که زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت ابدی برای هر که خدا ترس باشد، بسیار بهتر از دنیاست و آنجا کمترین ستمی درباره کسی نخواهد شد»

- « اَفَمَنْ وَعَدْنُهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيْهِ كَمَنْ مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِيْنَ »

(سوره قصص، آیه ۶۱).

ترجمه: «آیا آن کس که ما به او وعده نیکوی بهشت ابدی را داده ایم و به آن وعده البته خواهد رسید مانند کسی است که او را متاع دنیای فانی بهره‌مند ساختیم سپس در قیامت او را حاضر آرند.»

- «يَقُوْمُ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَّعٌ وَّ اِنِ الْآٰخِرَةُ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (سوره مؤمن، آیه ۳۹).

ترجمه: «ای قوم این زندگانی (فانی) دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی است.»

- «مَتَّعٌ قَلِيْلٌ ثُمَّ مَأْوِيْهُمُ جَهَنَّمُ وَّبِئْسَ الْمِهَادُ» (سوره آل عمران، آیه ۱۹۷).

ترجمه: «دنیا متاعی اندک است و پس از این جهان منزلگاه آنان جهنم است و چه بدآرامگاهی است.»

- «وَزُخْرَفًا وَّ اِنِ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَّ الْآٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِيْنَ» (سوره زخرف، آیه ۳۵)

ترجمه: «و عماراتشان به زر و زیور بیاراستیم و اینها همه متاع (پست فانی) دنیاست و آخرت ابدی تر نزد خدا مخصوص اهل تقوا است.»

- «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَةُ الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرًا أَمْلاً» (سوره كهف، آیه ۴۶).

ترجمه: «مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست (ولیکن) اعمال صالح که تا قیامت باقی است نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

### آیاتی که رزق را در جهت وسعت و تنگی امتحان الهی می داند

«إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ \* وَلَا يَسْتَشْنُونَ \* فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ \* فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ \* فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ \* أَنْ اغْدُوا عَلَيَّ حَرثَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صرِّمِينَ \* فَأَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ \* أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا أَلْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ \* وَغَدَاوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَادِرِينَ \* فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ \* لَبَلٌ نَّحْنُ مَحْرُومُونَ \* قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْ لَا تَسْبِحُونَ \* قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ \* فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَي بَعْضٍ يَتْلُو مِثْلَ مِثْلٍ قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ \* عَسَى رَبِّنَا أَنْ يَبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ \* كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَ الْعَذَابُ الْأَخْرَجُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (سوره قلم، آیه ۱۷-۳۳).

ترجمه: «ما کافران را نیز به قحط و سختی مبتلا کنیم چنانکه اهل آن بستان را که قسم خوردند که صبحگاه میوه اش بچینند\* و هیچ استثناء نکردند\* هنوز به خواب بودند که از جانب خدا عذابی نازل شد\* و بامدادان نخل های آن بستان چون خاکستری سیاه گردید\* صبحگاه یکدیگر را صدا کردند\* که برخیزید که اگر میوه بستان را خواهید چید به نخلستان رویم\* آنها سوی بستان روان شده و آهسته می گفتند\* امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود\* و صبحدم با عزم و توانایی به باغ رفتند\* چون باغ را دیدند گفتند ما یقین راه را گم کرده ایم\* یا بلکه ما از میوه اش محروم شده ایم\* عادل ترینشان گفت من به شما نگفتم چرا تسبیح خدا به جا نیاورید\* گفتند خدای ما منزله است ما خود ستم کردیم\* و رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند\* گفتند ای وای بر ما که سخت سرکش بودیم\* امیدواریم که پرودگار ما به جای آن بستان بهتر را به ما عطا کند که ما همیشه به خدای خود مشتاقیم\* اینگونه است عذاب و البته آخرت بسیار سخت تر است اگر مردم بدانند\*»

- «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (سوره انفال، آیه ۲۸).

ترجمه: «و محققاً بدانید که شما را اموال و فرزندان فتنه و ابتلایی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد خداست.»

- «إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (سوره تغابن، آیه ۱۵).

ترجمه: « به حقیقت اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما هستند و (بدانید که) نزد خدا اجر عظیم خواهد بود.»

### آیاتی که وسعت و تنگی معیشت را در جهت مصلحت حیات می داند.

- «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (سوره اسراء، آیه ۳۰).

- «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۲)

ترجمه: «خداست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی و یا تنگ روزی می گرداند که همانا او به صلاح حال کلیه خلایق آگاه است.»

- «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ.» (سوره شوری، آیه ۲۷).

ترجمه: «و اگر خدا روزی بندگان را وسیع و فراوان کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند لیکن روزی خلق را به اندازه ای که بخواهد نازل می گرداند که خدا به احوال بندگانش بصیر و آگاهست.»

### در محضر روایات

#### ویژگی های دنیا در آینه امثال

پیشوایان دین و به پیروی از ایشان، نظریه پردازان علم اخلاق، به منظور هوشیار، کردن مردم، ویژگی های دنیا را با مثال‌هایی روشن‌گر بیان کرده اند. برای نمونه تعدادی از این مثال‌ها که از معصومین (علیه السلام) نقل شده بیان می شود:

۱- دنیا نسبت به آخرت خیلی ناچیز است.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): «دنیا نسبت به آخرت چنان است که انگشت را در آب دریا فرو ببری، این انگشت چه مقدار از آب دریا را همراه می آورد؟!» (جباران، درسنامه علم اخلاق (۲)، ۱۳۸۴: ص ۷۲)

۲- دنیا ناپایدار است و نامحسوس می گذرد.

امام حسن مجتبی (علیه السلام): «ای کسانی که در پی لذات دنیوی می روید! دنیا ماندگار نیست، فریب سایه گذرایی را خوردن حماقت است.» (همان).

۳- امور دنیوی نسبت به اخروی همانند خیال نسبت به واقعیت است.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «دنیا خوابی است که اهل آن به خاطرش پاداش می گیرند یا عقاب می شوند.» (همان).

۴- دنیا محل گذر است.

حضرت عیسی (علیه السلام): «دنیا پلی است؛ از آن بگذرید و آبادانش نکنید.» (همان).

۵- دنیا فریبده است.

امیر المؤمنین (علیه السلام): «دنیا همانند مار است که پوستش لطیف و زهرش کشنده است که انسان نادان فریب آن را می خورد و به طرف آن کشیده می شود و انسان عاقل و فهمیده از آن کناره گیری می کند.» (همان).

آری! اگر انسان فریب دنیا را خورد از ذکر حق محروم می شود و جهنم و جحیم در انتظار اوست.

۶- انسان هر چه بیشتر از دنیا بهره مند شود، گرفتارتر می شود.

«مثل حریص بر دنیا، همانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر خود بتند، نجاتش مشکل تر می شود

تا آنجا که از اندوه بمیرد» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۳۴).

۷- تحمل پیامدهای دنیا اجتناب ناپذیر است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «کسی که به دنیا مشغول شود، همانند کسی است که در آب راه رود، آیا

ممکن است کسی که در آب راه می رود، پایش خیس نشود.»

۸- دنیا طالب خود را می کشد.

حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام): «دنیا طلب کسی را ماند که از آب دریا می نوشد، هر چه بنوشد

تشنه تر می شود، چندان که از پای در آید.» (ابن شیععه، ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله و علیه و

آله)، ۱۳۷۹: ص ۳۹۶).

### بی ارزشی دنیا نزد حق تعالی

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «از آن زمان که خداوند دنیا را آفریده، میان زمین و آسمان، ایستاده است

و به آن نمی نگرد و دنیا در روز قیامت به درگاه خدا عرض می کند: «پروردگارا، امروز مرا بهره پست ترین

دوستانت قرار بده.»

خداوند می فرماید: «خاموش، هیچ ارزشی نداری، من در دنیاتو را برای دوستانم نپسندیدم و امروز (در

قیامت) تو را برای آنها پسندم.» (فیض کاشانی، ترجمه کتاب المحجبه البيضاء فی تهذیب الاحیا (راه روشن)،

۱۳۷۲: ج ۵، ص ۴۹۱)

امیر (علیه السلام): «البته در خواری دنیا نزد خدا، همان بس که جز در دنیا نافرمانی او نشود و جز با ترک

دنیا، به پاداش الهی نرسند» (الانصاری، غرر الحکم و درر الکلم، درر الکتاب، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۲۵۸).

و می فرمایند: «دنیا سرایی است در نزد خدا بسیار خوار، پس حلالش به حرام، خیرش با شرش،

شیرینی اش با تلخیش به هم در آمیخته خدا آن را برای دوستانش پاکیزه از آرایش ها و صافی از کدرها قرار

نداده و از دادن آن به دشمنان بخل نورزیده و دریغ نکرده است» (همان، ص ۲۶۵).



و نیز می فرمود: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) دنیا را کوچک می شمرد و در چشم دیگران ناچیز می نمود و... می دانست که خداوند به خاطر احترام به ارزش او، دنیا را از او دور ساخته است. و آن را برای ناچیز بودنش به دیگری بخشیده است» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۸).

به عیسی بن مریم (علیه السلام) عرض شد: «عملی بیاموز که خدا ما را دوست داشته باشد، حضرت فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا دوستتان بدارد.» (فیض کاشانی، ترجمه کتاب المحججه الیضاء فی تهذیب الاحیاء) (راه روشن)، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۴۹۶).

### توصیف مؤمن در روایات

در مجموعه کلمات قصار امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده است که: (الانصاری، غررالحکم و دررالکلم، دررالکتاب، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۲۱۷-۲۳۴).

- «به راستی که مؤمنین (در برابر خدا و مردم) فروتنی کنندگانند.»
- «به راستی که مؤمنین با مردمان مهربانند»
- «به راستی که مؤمنین خدا ترسانند»
- «به راستی که مؤمنین (از عذاب خدا) بیمناکنند.»
- یاد خدا بودن دأب و مرام هر شخص نیکوکار و روش هر مؤمن است.»
- «به راستی که مؤمنان همواران و نرم خویان اند.»
- «به راستی که مؤمنان نیکوکارانند.»
- «به راستی که مؤمن یقینش به خدا و قیامت در کردارش دیده می شود و منافق شکش در کردارش پدیدار می گردد» (انصاریان، دیدار عاشقان (تفسیر جامع صحیفه سجادیه)، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۴۴)
- «اگر از کار نیک خود خوشحال می شوی و از کار بد خود دلگیر مؤمن هستی» (پاینده، ترجمه نهج الفصاحه، ۱۳۸۵: ص ۶۱۰).
- «مؤمن چون خوشه گندم باشد که گاه خم شود و گاه برپا ایستد (یعنی مؤمن انعطاف پذیر است) و کافر چون درختی استوار، پیوسته بر یک حالت ماند و انعطاف ندارد» (هرندی، سیره و سخن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، ۱۳۸۵: ص ۲۶۹).
- «دانش یار مؤمن است و بردباری وزیر اوست و خرد راهنمای او و شکیبایی سردار سپاهش و نرمخویی پدرش و نیکی برادرش» (همان، ص ۲۸۵).
- مؤمن همواره در جستجوی حکمت است» (همان، ص ۳۲۵).
- «صبح و شامی بر مؤمن نمی گذرد مگر آنکه بر خود گمان خطا ببرد» (همان، ص ۳۲۶).

- «مؤمن آسان انس گیرد و مأنوس دیگران شود» (همان)

- «مؤمنین همچون اجزای یک بنا همدیگر را نگاه می‌دارند» (همان)

- «مثل مؤمنین در دوستی و علقه به یکدیگر، مثل پیکری است که چون عضوی از آن به درد بیاید، باقی

اعضا به تب و بیخوابی دچار می‌شوند» (همان)

- «تملق خوی مؤمن نیست» (همان، ص ۳۲۸).

-- مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود» (همان، ص ۳۲۸).

امام علی (علیه السلام) در توصیف مؤمن فرمودند: «شادی مؤمن در چهره ی او و اندوه وی در دلش پنهان است، سینه اش از هر چیزی فراختر و نفس او از هر چیزی خوارتر است.

برتری جویی رازش و ریا کاری را دشمن می‌شمارد، اندوه او طولانی و همت او بلند است، سکوتش فراوان و وقت او با کار پر است، شکر گذار و شکیبنا و ژرف اندیش است، از کسی درخواست ندارد و نرمخو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا سخت تر اما در دینداری از بنده خوارتر است» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ص ۵۰۷).

### مقام مؤمن نزد حق تعالی

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «خدای سبحان، مؤمن را از نور عظمت و جلال کبریایی خود آفرید؛ پس اگر کسی به مؤمن [از آن جهت که با ایمان است] طعن وارد کند و یا دست رد بر سینه ی او زند در حقیقت از خداوند اعراض کرده و ولایت الهی از او قطع شده است» (محمدی، مفردات قرآن، ۱۳۸۴: ص ۵۰).

امام رضا (علیه السلام): «مؤمن فرزند نور و رحمت [نور که روشنگر است، ناظر به علم و عقل نظری است و رحمت از آن نظر که گرایش «عطوفت» مهربانی، گذشت، لطف و صفا دارد، بیانگر عقل عملی است، جوهره انسان را همین دو گوهر می‌سازد]» (همان).

پیامبر (صلی الله و علیه و آله): «شگفتا مؤمن را، خداوند هیچ قضایی بر او نراند، مگر آنکه خواه و ناخواه خیرش در آن باشد؛ اگر بلایی به او رساند سرپوش گنااهش باشد و اگر عطایش دهد و گرامیش دارد بدو بخشش فرموده است.» (هرندی، سیره و سخن پیامبر اعظم (صلی الله و علیه و آله)، ۱۳۸۵: ص ۲۹۱).

حدیث قدسی: «من در آسمان و زمین ننگم ولی در دل بنده مؤمنم جای گیرم» (خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۴: ص ۴۵).

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «چون برده شد رسول (صلی الله علیه و آله)، در شب معراج به ساحت قدس، عرض کرد «ای پروردگار! آیا چگونه است حال مؤمن نزد تو؟» فرمود: «ای محمد! کسی که اهانت کند برای من دوستی را، به جنگجویی با من برخاسته و من از هر چیز زودتر یاری دوستان خود کنم و من مردد در

هیچ امری نشدم، که من فاعل آن هستم، آن طور که در وفات مؤمن مردد هستم، کراهت دارد مرگ را و من کراهت دارم بدی او را» (همان، ص ۵۸۱).

(اینجا منظور عامه مؤمنین است به دلیل آنکه از موت کراهت دارند نه مؤمنین خاصه و کامل) حال این سوال مطرح می شود که اگر مؤمن نزد حق تعالی این قدر مقام و منزلت دارد، چرا به فقر و فلاکت مبتلا می شود؟ اگر دنیا بی ارزش است چرا برخی مؤمنین غنی و برخوردارند؟ خداوند جواب می دهد که، حالات بندگان من با هم متفاوت و احوال قلوب، آنها مختلف است؛ بعضی آنها را جز فقر، هیچ چیز، اصلاح نمی کند لذا آنها را فقیر می کنم برای اصلاح حالشان و بعضی ها را جز بی نیازی و ثروت اصلاح نکند، آنها را ثروتمند کنم از آن معلوم می شود که هر چه حق تعالی به مؤمنین مرحمت می فرماید؛ از غنا و فقر و صحت و سقم و امنیت و وحشت و دیگر امور، برای اصلاح حال مؤمنین و تخلیص حالت قلوب آنهاست.

حق تعالی به رحمت و وسعه و فضل عمیم خود مثل یک طبیب معالج و پرستار عطف است که هر کس را به طوری از دنیا پرهیز می دهد. گاهی به یکی ثروت می دهد و در عین حال به حسب شدت و ضعف و کمال و نقص ایمان او را مبتلا به بلاهای دیگر می کند، بلکه ثروت و غنا را برای او طوری محفوف و پیچیده به بلیات می کند که او را از دنیا و حب او منصرف می کند. مزاج این شخص طوری است که اگر فقیر شود، به واسطه ی آنکه سعادت را در مال و منال شاید می بیند و اهل دنیا راسعید می داند، متوجه دنیا می شود و در تحصیل آن به هلاکت ابدی می افتد ولی باقی رار دادن در دسترسش و به خاطر شیفته نشدن آن شخص، آن را به زحمات و صدمات خارجی و داخلی ممزوج نموده است تا او را از دنیا منصرف نماید (همان، ص ۵۸۸ و ۵۸۹).

### کسانی که از بلا معافند

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: « راستی برای خدای عزوجل بنده های بیمه شده ای است که از بلا برای آنها دریغ دارد و آنها را در عافیت زنده بدارد و در عافیت روزی رساند و در عافیت بمیراند و با عافیت مبعوث سازد و با عافیت به بهشت ساکن گرداند» (کلینی رازی، اصول کافی، ۱۳۸۱: ج ۵، ص ۵۸۱).

### حقیقت شرح ایمان

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: « حقیقت شرح ایمان، اقرار و خضوع برای خداست به اقرار بندگی و تقرب به حضرت او، به آن و انجام هر واجبی از خرد و کلان با دانایی از سرحد توحید تا پایین تر و تا آخر ابواب طاعت به ترتیب از بالا به پایین، همه به همراه هم پیوست با هم و هر گاه بنده ای آنچه را بر او واجب است ادا کند به همان طور که به او رسیده به وضعی که ما شرح دادیم پس او مؤمن است و شایسته صفت ایمانست و مستوجب

ثواب است و... و مؤمن از وصف ایمان بیرون نرود مگر به وسیله ی ترک آنچه مایه استحقاق صفت ایمانست و همانا نام ایمان و معنایش بایست و شایست است به انجام فرائض بزرگ پیوست با هم و ترک معاصی کبیره و اجتناب آنها و اگر طاعت های کوچک را ترک کند و معصیت صغیره مرتکب شود از ایمان به در نرود و ترک ایمان نکرده است تا از طاعت های کبیره چیزی را وا نهد و مرتکب معصیت کبیره نگردد و تا این کار را نکرده مؤمن باشد زیرا خداوند در سوره نساء آیه ۳۱ می فرماید: «اگر دوری کنید از کبائر، آنچه بر شما غدقن شده، بدکرداری های شما را جبران می کنیم و شماها را به مقام ارجمندی می رسانیم»

مقصود آموزش گناهان غیر کبیره است و اگر او مرتکب یک معصیت کبیره شود به همه گناهان مسئول باشد از خرد و کلان آنها، و بر همه کیفر گردد و عذاب ببیند، این است صفت ایمان و صفت مؤمن مستوجب ثواب (ابن شعبه، ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله و علیه و آله)، ۱۳۷۹: ص ۳۴۲).

### معنای کفر

معنی کفر، نافرمانی خداست از راه تمرد و بی اعتنایی و سهل انگاری در هر تکلیف خرد و کلان و مرتکب آن کافر است و این معنای کفر است از هر ملتی باشد و از هر دسته ای باشد پس از اینکه نافرمانی او به این صفات باشد پس او کافر است (ابن شعبه، ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله و علیه و آله)، ۱۳۷۹: ص ۳۴۴).

### نتیجه گیری

گاهی عظمت در نگاه است نه در چیزی که به آن می نگرند و زیبایی در نگاه و دید انسان است نه در دیدنی ها. اگر به چشم نظام احسن به همه هستی نگریسته شود؛ از این دید، خیلی چیزها هم بزرگ دیده می شود و هم زیبا. بسته به عینکی است که بر چشم زده می شود و زاویه ای است که به هستی و حوادث نگریسته می شود.

در این تحقیق سعی شده است چهره واقعی دنیا با استناد و استمداد از آیات و روایات، به تصویر کشیده شود. روح خدا جوی مؤمن اسیر قفس تن دنیایی اوست و مانع پرواز و عروج او به سوی خدا است. مؤمن شیفته ی حق تعالی در فراق معشوق، در سوز و گداز و تب و تاب است و بی یار حتی اگر همه دنیا را به او ببخشند گویا در کنج زندان است. مؤمن معتقد به قیامت و حسابرسی است. می داند که حرام دنیا عقاب دارد و حلالش حساب. می داند که دنیا مزرعه و پل آخرت است. لذا آن را جای عرق ریختن و تحمل سختی و محل کاشت محصول و جای عبور می داند و در کنار امیدی که به فضل خداوند دارد دائماً ترسان است که مبادا از عهده تکالیف بر نیاید و شرمنده منعمش شود. اما کافر در دنیا هیچ قید و شرطی را نمی شناسد و کارهایش را محدود

به همین دنیا می‌داند و هیچ تلاشی برای آخرتش نمی‌نماید و تمام دلخوشیش آباد سازی دنیایش است. لذا دنیای موقتی برای او بهشت (خیالی) می‌شود و در آخر آتش جایگاه دائمی اوست. و بهشت حقیقی و دائمی در نهایت جایگاه مؤمنان است و مسلم است که سختی موقتی که آسایش دائمی را در پی دارد سختی نیست و آسایش موقتی که فرجامش سختی دائمی باشد آسایش خیالی است.

پس روشن است که در ظاهر! دنیا زندان مؤمن است و به دید ما این گونه می‌آید و در پس پرده، حقیقت چیز دیگری است. آری! مؤمن هرچه می‌بیند، همه اش «خیر» است. او درد می‌بیند اما احساس درد نمی‌کند چون وجودش مملو از عشقش به حق تعالی است.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، «ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله و علیه و آله)»، مترجم، محمدباقر کمره‌ای، چ ۷، سال ۱۳۷۹.
۳. الانصاری، محمدعلی، «غررالحکم و دررالکلم، دررالکتاب»، ج ۱، ۱۳۵۵.
۴. انصاریان، حسین، «دیدار عاشقان (تفسیر جامع صحیفه سجادیه)»، چ ۱، انتشارات پیام آزادی، سال ۱۳۷۲.
۵. پاینده، ابوالقاسم، «ترجمه نهج الفصاحه»، چ ۱، انتشارات اندیشه هادی، چاپ نوید اسلام، ۱۳۸۵.
۶. جباران، محمدرضا، «درسنامه علم اخلاق (۲)»، چ ۱، مرکز نشرهاجر، ۱۳۸۴.
۷. خمینی، روح الله، «شرح چهل حدیث»، چ ۳۲، مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام (رحمة الله)، ۱۳۸۴.
۸. دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، چ ۱، ناشر مؤسسه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۷۹.
۹. فیض کاشانی، مولی محسن، «ترجمه کتاب المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیا (راه روشن)»، چ ۱، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۰. کلینی رازی، محمد بی یعقوب، «اصول کافی»، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، چ ۵، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.
۱۱. محمدی، حمید، «مفردات قرآن»، چ ۶، مؤسسه فرهنگی دارالذکر. ۱۳۸۴.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، بی نا، بی تا.

۱۳. هرندی، علی، «سیره و سخن پیامبر اعظم (صلی الله و علیه و آله)»، چ ۱، انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۵.